



مجید شاکری: قصه ارز

لایه‌های بسیاری دارد و تقریبا همه حرف‌هایی که در این باره زده می‌شود، در جایگاه خود قابلیت

بررسی دارد. به‌طور مثال درباره اینکه گفته می‌شود ما باید نسبت به نرخ ارز تعدیلی انجام می‌دادیم، می‌توان بحث و بررسی کرد ولی ما علت‌های زیرساختی دیگری نیز در این زمینه داشتیم که یکی از آنها افزایش نقدینگی است که مساله بسیار مهمی است. ما تقریبا در سرعت رشد پایه پولی و رشد نقدینگی طی دوره چهار ساله اول دولت روحانی بالاترین عدد را در تاریخ جمهوری اسلامی به لحاظ سرعت داشته‌ایم، درحالی که در سه سال و نیم دولت پیش از دولت روحانی، میزان سرعت رشد پایه پولی حدود ۶۸ درصد بود ولی در سه سال و نیم اول دولت روحانی این میزان ۷۳درصد بوده است.

ما به لحاظ نسبت نقدینگی به جی‌دی‌پی به یک عدد غیرعادی ۱۱۰ درصدی رسیدیم که به صورت میانگین این عدد در همه سال‌های گذشته نزدیک به ۶۰ درصد بوده است. این عدد، رقمی جدی است و نگرانی‌هایی را از این بابت ایجاد می‌کند که ابر بزرگ نقدینگی کشور به کجا می‌رود و قطعاً این ابر در بازاری که بیشترین شکنندگی را دارد، خواهد بارید. حال سوال این است که چرا بازار ارز ما این شکنندگی را دارد؟ ما در بازار ارزمان از همان ابتدا مشکلاتی داشتیم. نقشه ارزی ایران به این گونه است که ما یک بال شرقی در حوزه ارز و یک بال غربی در این حوزه داریم که محل‌های عمده در بال شرقی جاهایی مانند ملت کره جنوبی، بانکى در ژاپن و... است و مهم‌ترین بال غربی‌مان نیز در حال حاضر تجارت پاریس، ملی هامبورگ و... است و محل مصرف ارز ما در همه ۱۵ سال گذشته، دبی بوده است. این انتخاب همانند فرشی است که رچ به رچ بافته شده و دلایل اجتماعی، تاریخی، انسانی، قانونی و... دارد و همین که ما در گیر دبی هستیم و تا زمستان دو سال پیش حدود ۵۰ درصد و بعد از آن حدود ۷۰ درصد از تسویه‌های مالی ما در آنجا دنبال می‌شد، یک ضعف عمده برای ما به شمار می‌رود و نشان می‌دهد نقشه ارزی ما تک‌پایه است و اگر فشاری به این پایه وارد شود، دچار مشکلاتی می‌شویم.

از زمستان ۹۵ به بعد بخش‌های مختلفی از نقشه ارزی کشور تحت فشار قرار گرفت

حرف‌هایی زده می‌شود مبنی‌بر اینکه ما از دلار مستقل شدیم و نفت‌مان را با یورو می‌فروشیم و حواله‌های‌مان نیز به صورت یورو است، پس دیگر به دلار متکی نیستیم ولی براساس بحث‌های فنی اتکای‌مان به درهم دبی است که ما را از لحاظ فنی ناچار می‌کند در جایی درآمدهایی که به صورت یورو یا سایر ارزها داریم، را درنهایت با طرح دستی به دلار و درنهایت به درهم دبی تبدیل کنیم. از سوی دیگر زمستان ۹۵ به بعد بخش‌های مختلفی از نقشه ارزی کشور تحت فشار قرار گرفت و علی‌رغم اینکه ما با کشور ترکیه مشکلی در حوزه بده و بستان‌های مالی نداریم، ولی بالاخره به ترکیه در این زمینه حمله شد و مسائلی چون مساله رضا ضراب ایجاد شد. از زمستان ۹۵ نیز فشاری به بهانه مبارزه با پولشویی به بانک‌های اماراتی وارد شد و از آنجایی که حوزه حکمرانی مالی بعد از بحران ۲۰۰۸ به ابوظبی منتقل شد و دیگر در اختیار دبی نبود، این فشار نیز مشکلاتی را برای ما ایجاد کرد.

وقتی ما می‌گوییم با مسائلی چون FATF و امثال آن مخالف هستیم، این تصور ایجاد می‌شود که گویی ما با پولشویی موافقیم، درحالی‌که این گونه نیست و مفهوم پولشویی در دنیا این گونه نیست که ما تصور می‌کنیم، حتما کار غیرقانونی و خلاف اخلاقی‌ای صورت گرفته است. در دنیا هرچه برخلاف مقررات در نظر گرفته شده برای قوانینی چون FATF باشد، به مثابه پولشویی تلقی می‌شود؛ اگرچه مبالغه‌آمیز است. در آن مربوط به یک دولت قانونی مانند ایران و در ارتباط با فروش نفت باشد. در چین نیز فشار جدی از لحاظ ارزی به ما وارد شد و عنوان کردند باید اصالت منبع را بر کنیم و زمانی‌که اظهار اصالت منبع کردیم، دیگر نمی‌توانستیم به دبی حواله‌کرد داشته باشیم یا اینکه کم‌کم فشارهای مربوط به بستن حساب‌ها شروع شد و این فشارها در طرف عرضه به صورت روزانه گسترده‌تر می‌شد. مساله دیگر این بود که ما

با صرافی‌هایی کار می‌کردیم که جواز صرافی نداشتند و موضع FATF که ایجاد شده دیگر این صرافی‌ها نمی‌توانند با ما همکاری داشته باشند. در طرف تقاضا نیز از سال ۹۵ با موضوع جدی خروج سرمایه‌یورو و حساب سرمایه‌ما در این سال منفی و در سال گذشته به حالت ویژه رسید، هرچند که شدت خروج سرمایه از زمستان ۹۵ به دلیل تحریمی بسیار تندتر شده و مجموع

این عوامل فشار روبه بالایی را ایجاد کرد. آنچه در بهمن و دی ماه رخ داد، دلایل فصلی در آن دخیل بود و آنچه بعد از آن رخ داد، دلایل سیاسی داشت و آنچه در ۲۰ فروردین رخ داد، شامل وقایع ویژه‌ای بوده و الان به این جایگاه رسیده‌ایم. درباره برجام باید به تحریم‌ها نگاه کنیم. ما دو جنس تحریم داشتیم: یکی تحریم‌های لجستیک و دیگری تحریم‌های مالی، تحریم‌های لجستیک مانند تحریم‌های کشتیرانی، بیمه و... بوده که برای اعمال آنها نیاز به چانه‌زنی و حضور افراد داشت ولی تحریم‌های مالی نیاز به حضور ندارد و ابزارها در این بخش به قدری قوی است که تحریم‌های مالی را به ابزار ویژه آمریکایی‌ها تبدیل کرده و آنها این تحریم‌ها را بدون هزینه و با سود می‌توانند اعمال کنند. در برجام تحریم‌های لجستیک برای آمریکا هزینه‌زا بوده، مانند بحث فروش نفت کشورمان ولی تحریم‌های مالی عملا دچار تغییری نشد و به همین دلیل برجام به لحاظ رفع تحریم‌های مالی چندان اثرگذار نبوده است.

تحریم‌های مالی اعمال‌شان راحت‌تر است. از سوی دیگر تحریم‌های نفت، بیمه و کشتیرانی و... همانند یک زنجیر به هم وصل هستند و تا زمانی که نتوانیم پول آنها را جابه‌جا کنیم هیچ فایده‌ای ندارند، از این‌رو این دو تحریم به یکدیگر متصل هستند و تحریم‌های نفتی در اصل تحریم‌های مالی هستند. همین مهم باعث می‌شود تحریم‌های مالی ۸۰ درصد بااهمیت‌تر از سایر تحریم‌ها باشند و میزان متوسط ال‌سی‌هایی که بانک مرکزی

پیش از تحریم‌ها باز می‌کرد ۴۰ میلیارد دلار و در زمان تحریم ۱۷ میلیارد دلار و بعد از برجام نیز ۱۵ میلیارد دلار شده است. این امر نشان می‌دهد برجام در این حوزه تأثیرگذار نبوده است. از سوی دیگر وقتی کارگزاران فعال را بررسی می‌کنیم می‌بینیم همان پنج کارگزار اصلی که پیش از برجام با ما همکاری می‌کردند، در زمان برجام نیز فعال بوده و به احتمال زیاد بعد از خروج آمریکا از برجام نیز فعال خواهند بود، به همین دلیل به لحاظ مالی خروج آمریکایی‌ها چندان مهم نیست، البته از لحاظ فروش نفت مساله مهمی است ولی در بعد مالی اتفاق ویژه‌ای نخواهد افتاد اما نگرانی جدی‌مان برای تحریم‌های فرابرجامی است که جنس و شکل عملکرد آنها متفاوت است و اگر اعمال شود، می‌توانیم با مشکلات جدی روبه‌رو شویم ولی به معنای نداشتن راهکار نیست.

مخسنى: درباره بحث ارزی کشور اگر نگاه کلی به تاریخ ایران داشته باشیم، متوجه می‌شویم بعد از دوران دفاع مقدس که شرایط عادی داشتیم، این جهش‌ها در زمان مرحوم هاشمی‌رفسنجانی، خاتمی و احمدی‌نژاد وجود داشته است. در دوران فعلی نیز این جهش ایجاد شده هرچند که به‌شدت دوران احمدی‌نژاد نیست، اما باید تا پایان دوران روحانی صبر کنیم و ببینیم چه اتفاقی خواهد افتاد.

ما وارد جنگ اقتصادی شده‌ایم، درحالی که عملا اتاق جنگ اقتصادی در داخل کشورمان نداریم

دولتمردان ما همیشه سعی کرده‌اند نرخ ارز را تا جایی که می‌توانند ثابت نگه دارند، چراکه این مساله برای جامعه ایران تنش‌زاست ولی این مهم باید رفتار خصمانه کشورهای دیگر با رفتار اشتباه داخلی باعث می‌شود نرخ ارز که ماند یک فترده شده می‌ماند، به یک باره با جهش روبه‌رو شود. اگر بخواهیم این سوال که آیا نرخ ارز بالا خواهد رفت؟ را براساس قواعد

به آن پاسخ دهیم به این اتفاق می‌افتد ولی اینکه چه زمانی محقق خواهد شد، بستگی به شرایط بین‌الملل و مسائل سیاسی دارد. این روزها مساله دبی بسیار جدی است و متوجه شدم تمام معاملات ارزی ایران از طریق دبی انجام می‌شود و می‌دانیم این کشور همسوا با معاملات‌های عربستان است و عربستان نیز تابع سیاست‌های عربستان است. اگر براساس قانونی را امضا کند که براساس آن از معاهده‌ای خارج شود، دیگر همه چیز تمام خواهد شد. به خاطر دارم پیش از انتخاب ترامپ در دانشکده مطالعات جهان ایران جلسه‌ای داشتیم و در آنجا اساتیدی از علوم سیاسی بودند که می‌گفتند ترامپ رای نخواهد آورد. آنجا گفتم اگر آمریکا را می‌شناخید که چگونه افراد سفیدپوست سطح پایین آمریکا در طول دو دهه اخیر به حاشیه رانده شدند، این حرف را نمی‌زدید



در نشست بررسی سیاست‌های ارزی پ

بعد از برجام، تحریم‌ها



زهرا رمضانی
خبرنگار

یک ماه قبل از خروج آمریکا از برجام بود که بازار ارز کشور دچار نوسانات شدید شد؛ نوساناتی که نرخ ارز را یک‌باره به مرز ۶ هزار تومان رساند. بعد از آن نیز شاهد خروج ترامپ از برجام بودیم؛ اتفاقی که باعث شد برجام به عنوان معاهده بین‌المللی وارد فاز جدیدی شود و امروز تمام دنیا نظاره‌گر ادامه روند برجام باشند. هر چند عده‌ای معتقدند می‌توان برجام را بدون حضور آمریکا نیز ادامه داد و مشکلی

شاکری: ممکن است

عده‌ای بگویند که اصلا کاری نکنیم که ما را تحریم کنند، در مقابل آنها باید این سوال را مطرح کرد که اصلا چرا ما تحریم می‌شویم؟ بنده به‌عنوان اقتصاددان می‌گویم که شاید در تاریخ کشور دیگری را مانند ایران نداشته باشیم که برای دوره‌ای بلندمدت عدم‌توازن در نقاط قوت و ضعف داشته باشد، یعنی کشوری داریم که بازاری امنیتی آن تا درباری مدترانه است ولی برای نقشه ارضی خود هنوز از قاطر استفاده می‌کند یا بعد از کره جنوبی بیشترین جمعیت را از لحاظ تعداد خانوار دارد و در مقابل اعداد بیکاری جوانان آن اعداد تکران‌کننده است و چنین کشوری به سایر کشورها این پیام را می‌دهد که از نقطه‌قوت بکاهید، به نقطه‌ضعف‌هایم اضافه کنید و تا جایی این روند را ادامه دهید که دیگر نقطه قوتی نداشته باشیم یا از سوی دیگر نقطه‌ضعف‌مان را به حدی تقویت کردیم تا به فشار واردن کردن به آن از سوی کشورهای دیگر برای آنها هزینه‌زا باشد، درحالی که الان تحریم‌های مالی اصلا هزینه‌زا نیست. راه‌حل واقعی این است که با وقایع موجود تقابل کنیم و نباید فراموش کرد برجام با اروپا محقق‌شدنی نیست و ممکن است به اندازه جرمه‌ای که آمریکا برای همکاری با ایران برای شرکت‌ها و نهادهای اروپایی در نظر بگیرد، به اندازه کل سود تجارت این شرکت‌ها باشد و اگر بخواهیم صندوقی را برای تضمین این فعالیت‌ها در نظر بگیریم، باید به کل سود تجارت باشد که این شدنی نیست. علاوه‌بر آن از سال ۲۰۱۳ ادبیات پولشویی در دنیا عوض شده و الان به جایی رسیدیم که علی‌رغم داشتن بانک‌های ملی هامبورگ، یورو پایه و... داریم که اصلا فعالیت‌شان با دلار نیست، ولی برای کشور ما فایده‌ای ندارند؛ چراکه در روابط‌شان با سایر بانک‌های اروپایی ایزوله هستند و به راحتی نیز قابلیت ایزوله کردن دارند.

ما تا ابد زمان نداریم، چراکه در کشورمان نرخ بیکاری جوانان بالا و در مقابل و نرخ تشکیل سرمایه ثابت منفی است

در گذشته و تحریم‌های دوره قبل این گونه بود که وقتی فردی با اشخاص «اس‌دی» آن لیست همکاری می‌کرد، جرمه‌اش این بود

دو سال دیگر بر سر کار است و تحریم‌ها در آینده بسیار سخت‌تر می‌شود. به نظرم امروزه کسی در قد و قواره ترامپ در آمریکا نیست که بتواند در دوره بعدی ریاست‌جمهوری او را به چالش بکشد، از این‌رو ما باید با او تا ۶ سال دیگر زندگی کنیم، هرچند که اشخاص دیگر نیز برای ایران تفاوتی ندارند ولی حداقل روسای‌جمهور طیف‌های دیگر آمریکا قابل پیش‌بینی هستند، موضوعی که درباره ترامپ صدق نمی‌کند. ما باید ضعف‌های خود را شناسایی کنیم و نقاط قوت خود را بشناسیم و هرچه بیشتر به بیرون وابسته باشیم، عملا ضعیف‌تر خواهیم بود؛ چراکه نمی‌توانیم رفتار دیگر کشورها را پیش‌بینی کنیم.

گاهی در درون نظام اداری و حاکمیتی‌مان اصطکاک با مردم ایجاد شده است، به‌طور مثال ایجاد رضایت در مردم در بحث مراجعه به ادارات دولتی اصلا ارتباطی به برجام ندارد بلکه مساله درون کشوری است و می‌توان آن را حل کرد تا از این طریق بتوان کمی از فشارهایی که برای تحریم به مردم اعمال شده و می‌شود را کاهش داد و متخصصان باید بررسی کنند که در کدام بخش‌ها می‌توان برای مردم گشایش‌هایی را ایجاد کرد، درخصوص برجام نیز باید بگوییم باید جنگ پارتیزانی را شروع کنیم و به سراغ شرکت‌ها و بانک‌های کوچک‌تر برویم، چراکه آنها زیر رادار نیستند و علی‌رغم کوچک بودن بسیار فراگیر هستند و با این کار دیگر همه تخم مرغ‌هایمان را در یک سبد قرار نمی‌دهیم، از این‌رو معتقدم باید چرخش به سمت چین صورت بگیرد و همزمان جنگ پارتیزانی داشته باشیم و در داخل نیز نهادهای‌مان را تقویت کنیم و در جاهایی که نیازمند فشار به مردم نیستیم، از این کار جلوگیری کنیم تا شاهد گشایش‌هایی در حوزه داخلی باشیم.

اقتصاد آمریکا ۵۰ برابر اقتصاد ایران است و ۶۵ درصد ذخایر ارزی دنیا به دلار است و همین قدرت است که به آمریکا اجازه می‌دهد تحریم‌های مالی را با کمترین هزینه‌ای به ایران تحمیل کند و زمانی که با یک ابرقدرت اقتصادی مانند آمریکا روبه‌رو هستیم، نمی‌توانیم با جنگ‌های منظم پیروز شویم و باید از جنگ‌های پارتیزانی و غیرمنظم بهره ببریم، هرچند که در دوره تحریم‌ها و پیش از برجام از این روش‌ها استفاده شد ولی بنا به دلایلی آمریکا در دوران برجام توانست تحریم‌ها را با کمترین هزینه‌ای به ایران تحمیل کند و زمانی که با یک ابرقدرت اقتصادی مانند آمریکا روبه‌رو هستیم، نمی‌توانیم با جنگ‌های غیرمنظم بهره ببریم، هرچند که در دوره تحریم‌ها و پیش از برجام از این روش‌ها استفاده شد ولی راه‌های فرار ایران را شناسایی کند و قطعاً در دوره دوم تحریم‌ها بسیار هوشمندانه‌تر عمل خواهد کرد.

و چون ترامپ از خاستگاه قدرت هم نبود، اکثر مردم آمریکا که همان افراد سفیدپوست مرکز آمریکا هستند به او رای دادند، حال این شخص براساس قواعد سیاسی و بین‌المللی بازی نمی‌کند؛ چراکه اصلا سیاستمدار نیست؛ از این‌رو اقداماتی که انجام می‌دهد صرفا به دو دلیل است، اول اینکه برای خودش اسم و رسمی به‌منظور آینده اقتصادی‌اش رقم بزند و دوم می‌خواهد جوابگوی جمعیتی باشد که به او رای داده‌اند و آن جمعیت نیز افرادی هستند که اگر ترامپ به کل دنیا نیز حمله هسته‌ای کند، خوشحال می‌شوند، از طرف دیگر نیز لابی صهیونیست‌ها را داریم، از این‌رو باید این مساله را جدی بگیریم که وقتی برجام را امضا کردیم نباید بیشتر قراردادهای خود را با اتحادیه اروپا می‌ستیم و حتی چرخش به سمت کره و ژاپن نیز اشتباه است؛ چراکه این کشورها برای تأمین امنیت نظامی و تجاری خود به‌شدت به آمریکا وابسته هستند و برجام بدون آمریکا عملا حرفی توخالی است؛ چراکه شرکت‌های اروپایی تحریم شده‌اند، نه کشورهای اروپایی و از آنجایی که ترامپ طبق قواعد بین‌المللی عمل نمی‌کند و بارها نیز تهدید کرده از ناتو خارج می‌شود، اروپا در شرایط فعلی بهانه دست آمریکا نمی‌دهد که بخواهد از ناتو خارج شود.

اما امروزه عملا به چین پشت کرده و به سمت اروپایی‌ها گرایش پیدا کرده‌ایم، از این‌رو اگر بخواهیم در شرایط فعلی به سمت چینی‌ها برگردیم، عملا از حوزه ضعف وارد شده‌ایم و تنها چین و روسیه هستند که می‌توانند از قوانین آمریکا تبعیت نکنند که در این میان نیز روسیه، نه از لحاظ اقتصادی به حدی قوی است که بتواند به ما کمکی کند و نه مشتری ویژه نفت ماست، بلکه چین بزرگ‌ترین مشتری نفت ایران محسوب می‌شود که روزانه ۷۰۰ هزار بشکه از نفت ما را وارد می‌کند. مساله دیگر این است که ترامپ عنوان کرده هر کشتی‌ای که در ایران پهلو بگیرد، دچار تحریم می‌شود که احتمال وضع تحریم‌های جدید وجود دارد؛ از این‌رو تنها دو کشور هستند که می‌توانند مقابل آمریکا و اتحادیه اروپا بایستند ولی معتقدم نباید امیدمان به این کشورها باشد. ما وارد جنگ اقتصادی شده‌ایم، درحالی که عملا اتاق جنگ اقتصادی در داخل کشورمان نداریم که همه فعالیت‌های وزارتخانه‌های مختلف را هماهنگ کند، درحالی که در جنگ نظامی همه ارگان‌ها با هم هماهنگ عمل می‌کنند ولی ما فاقد این اتاق در حوزه جنگ اقتصادی هستیم، از این فراتر آن است که در یک جنگ دشمن در مقابل‌مان قرار دارد ولی ما درون یک پادگان هستیم، حال اگر در داخل پادگان نیز سیستم فرسایشی داشته باشیم، سربازان ما عملا ضعیف‌تر عمل می‌کنند، از این‌رو می‌گویم که چین حداقل در شرایط فعلی به دلیل منفعت خودش با تحریم‌های آمریکا جلو نخواهد رفت، ولی از درون ما فشار بسیاری را بر جامعه خواهیم داشت که نیازمند تحولاتی هستیم و باید در مقابل اتفاقات منفی، اتفاقات مثبتی نیز در جامعه رخ دهد تا مردم بتوانند این جنگ فرسایشی اقتصادی را تحمل کنند. معتقدم ترامپ